بسم الله الرحمن الرحیم

خانواده‌ی مورفی ۲

نویسنده: مِری مورفی
تصویرگر: جِسیکا آلبِرگ
مترجم: پژمان واسعی

واحد کودک و نوجوان
انتشارات پایش

سرشناسه	مورفی، مری، ۱۹۶۱ - م ، Murphy , Mary .
عنوان و نام پدیدآور	خانواده‌ی مورفی/نویسنده مری مورفی ؛ تصویرگر جسیکا آلبرگ ؛ مترجم پژمان واسعی.
مشخصات نشر	تهران: پایش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۶۸ ص.: مصور(رنگی) ؛ ۱۴۸ × ۲۱۰ م م.
فروست	کتاب داستان کودک.
شابک	۱۴۰۰۰۰ ریال ج. ۷-۳۹-۸۸۹۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیپا.
یادداشت	عنوان اصلی: Parrot Park,2008 گروه سنی:ب.
موضوع	داستان‌های کوتاه انگلیسی ، تعطیلات تفریحی — داستان ، بازی‌های کودکانه — داستان.
موضوع	Short stories , English ,Vacations — Fiction ,Children's games — Fiction.
شناسه افزوده	آلبرگ ، جسیکا ، تصویرگر ، Ahlberg , Jessica.
شناسه افزوده	واسعی، پژمان، ۱۳۵۸-، مترجم.
رده بندی دیویی	۱۳۹۷ خ۸۳۴م۸۲۳/۹۲دا
شماره کتاب شناسی ملی	۵۱۷۱۹۱۵

خانواده‌ی مورفی ۲

نویسنده: مری مورفی
تصویرگر: جسیکا آلبرگ
مترجم: پژمان واسعی
ویراستار: مرجان مخبریانی
صفحه‌آرا و طراح جلد: سهیل وزیری

ناشر: انتشارات پایش
نوبت چاپ: اول ، ۱۳۹۸
چاپ و صحافی: توحید
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۹۲-۳۹-۷



واحد کودک و نوجوان
انتشارات پایش

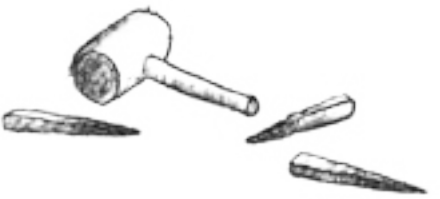
۰۲۱ ۳۶ ۶۱ ۹۱ ۱۰
۰۲۱ ۳۶ ۶۱ ۹۱ ۵۲
۰۹۱۰ ۷۲ ۱۰ ۶۷۹
www.payeshpub.ir
payeshpub@gmail.com

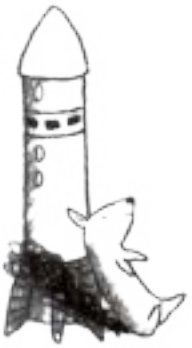
حق چاپ و نشر کتاب برای انتشارات پایش محفوظ است.



قوم‌وخویشِ کانادایی

۷





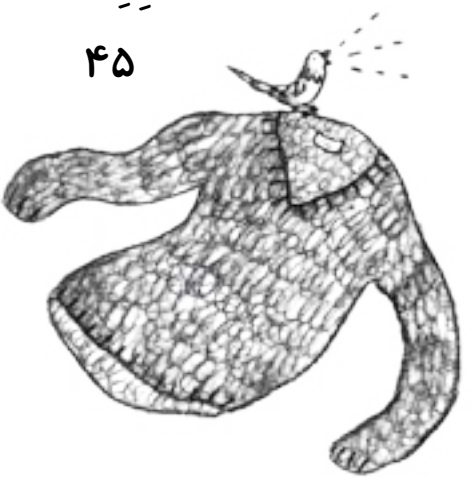
حَراجِ خانگی

۲۵

پولیورِ عُمری

۴۵





این‌هـا بچه‌هـای خانـواده‌ی مورفی هسـتند که نشسـته‌اند و به آلبومِ عَکسِشـان نِگاه می‌کنند.





رُری در حالِ آزمایش کردن



آنا بالای درخت



مِری در کنارِ بارنی



چارلی و کاترین در نمایش مدرسه



سوزان که اوّلین دندانش در آمده



مامان و بابا کنارِ دریا



اُرلا



آیلین



کانِر و شان



خاله مارگارِت و عمو دِرموت

قوم‌وخویشِ کانادایی



نِلی کوچولو



بچه‌های خانواده‌ی مورفی، پسرعموها و دخترعموهایی دارند که در کانادا زندگی می‌کنند. قرار است اوّلِ تابستانِ امسال، این عموزاده‌های کانادایی به ایرلَند بیایند. این اوّلین سفر آن‌ها به ایرلند است. در این مُدّت، چند روزی هم پیشِ خانواده‌ی مورفی می‌مانند.

مامان می‌گوید: «این‌طوری توی خانه به‌زور جا می‌شویم.»

بابا می‌گوید: «البته باغ هم هست.»






A



بابا یک کیسه‌ی بزرگ
را خالی می‌کند.
از کیسه چند تا طَناب، چند تا قُلّاب، چند
تا میخ و یک کُپّه پارچه‌ی
کُلُفت بیرون می‌ریزد.

آنا می‌گوید:
«یک چادُر!»